

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

ط ن ز

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – ۲۸ اپریل ۲۰۱۱
هشتم ثور ۱۳۹۰

فرار قهرمانان

مقاله طنزی که زیر این عنوان قید گردیده است، نوشته ایست که بتاريخ ۲۷ اپریل ۲۰۰۸ یعنی سه سال و یک روز پیش در شهرک "بریلون" Brilon المان نوشته شده و بلافاصله در پورتال "افغان جرمن آنلاین" – که در آن زمان عضویتش را داشتم – نشر گردید. با دوستان در سفر بودم و از همانجا هم یگان چیزی نوشته نشر میکردم، که بزرگان گفته اند:

«ترک عادت موجب مرض است!!!»

مقاله "هشتم ثور" را به باد استهزاء و استحقار میگیرد و جنبه های منفی و مخرب این روز را باصطلاح شیرین کابلی "خبله" میسازد.

چنان که میدانیم، "هشتم ثور" دو جنبه داشت، یکی "خلاق و مثبت" و دیگر "منفی و تباهکن". جنبه مثبت و خلاق این روز درینست، که در همین روز، رژیم منفور و "خدا شرمانده" و "روی سیاه دنیا و آخرت" "خلق – پرچم" به نابودی گرائیده و از لوح سیاسی افغانستان پنسل پاک زده میشود. با تأسف که روز "هشتم ثور"، روئی "سیاه و تار و تاریک" هم دارد و "سیاهی و تاری و تاریکی" آن متأسفانه در حدیست، که امروز کسی باصطلاح نرخ جنبه "مثبت و خلاق" این روز تاریخی را نمیخواند.

در مورد هفتم و هشتم ثور که دو روز نیرنگی در تاریخ معاصر ماست، بسیار نوشته اند و هر قدر هم که نویسند، کافی و بسنده نیست. ازین قلم هم در زمینه مقالات فراوان زیر اسماء و عناوین مختلف نوشته شده که تعدادی در همین پورتال آزادگان نشر گردیده است.

پیش از تأسیس پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"، که در واقع "کرا نشین" سایتهای مختلف بودم، مقالاتم را در همان سایتهای منتشر میساختم. از زمانی که با یاران هم‌رزم و هم نظر پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" را بنیاد نهادیم، دیگر "خانه بدوش" نیستیم و مقالاتم منحصرأ در همین سایت آزاده – که ضد استعمار و ضد ارتجاع و ضد خرافات است – افتخار نشر مییابند.

در زمینه روزهای شوم هفتم و هشتم ثور که روز دهم اکتوبر ۲۰۰۱ هم بدانها علاوه میگردد، هر قدر نوشته شود کم است. بلی؛ در مواردی که به سرنوشت یک ملت مظلوم و یک سرزمین مقدس و دوست داشتنی تعلق میگیرند، باید همیشه نوشته شود و سلسله گفتارهای روشنگر، کوبنده و رسواکننده همچنان و کماکان ادامه یابد. گفته های کوبنده یک حسن دارند و آن اینست، که لااقل "اخ دل" مردم داغدیده و جفاکشیده را میکشد. در شرایطی که جفاکاران و جنایت پیشگان از خیرات سر اشغالگران بقومانده اتانزونی، به اصطلاح "مفت و کلذی" از گیر مردم و محاسبه و مجازات رهائی یافته اند، کوفتن و تقبیح و رسوا ساختن، یگانه راه اعمال و تعمیل مجازات و تعزیر نابکاران است. من مگر بدین نظرم که:

بعضاً فقط یک سخن "پهلودار" و "طنز آمیز" کوبنده تر از هزار نفرین و دشنام و تیر زهردار است.

بر همین منط نوشته سه سال پیش خویش را که قبلاً یکبار به تاریخ ۲۵ نومبر ۲۰۰۸ در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" نشر شده بود، از آرشیف بدر آورده و بدرقه این روز سیاه و تاریک میکنم.

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
بریلون، ۲۷ اپریل ۲۰۰۸

فرار قهرمانان طنز



امروز ۸ ثور ۱۳۸۶ مطابق به ۲۷ اپریل ۲۰۰۸ ، روزیست تاریخی و تاریخیت این روز را یک حادثه کوچک رقم میزند. روزی که یک "دولت قهرمان"، یک "حکومت قهرمان"، یک "پارلمان قهرمان"، یک "دستگاه پولیس قهرمان" ، یک "اردوی ملی قهرمان" و قهرمانان خارجی از قبیل "آیساف قهرمان" و "ناتوی قهرمان" ، سر از پای گم کرده، دو پای داشته و دو پای دیگر قرض کرده، پا به فرار می گذارند.

روح پرفتوح "قهرمان ملی افغانستان" سپهسالار بزرگ جهاد و "شیرک پنجشیر" ، قوماندان صاحب احمد شاه مسعود شاد و جایش خالی باد، که اگر زنده می بود، زودتر از همه قهرمانان دیگر فرار را بر فرار ترجیح داده و رخ بطرف غارهای پنجشیر می نهادند. آن قهرمان بزرگ که در همه کارها قهرمان بودند، راه و رسم فن شریف "گریز" و مسلک نجیب "فرار" را از همه بهتر میدانستند و اگر ایشان زنده می بودند، این همه گنودی و سراسیمگی که حین فرار قهرمانان امروزی رخ داد، اصلاً به وقوع نمی پیوست. یاد شان گرامی باد که چه یک انسانی بودند!!!!!!

ما امروز شهامت و غیرت سپهسالار بزرگ جهاد، آمر صاحب مسعود شهید را در وجود پیروان و رهروانش سراغ کرده نمیتوانیم؛ نه در وجود دلگی مشر صاحب قسیم خان فهیم، نه در وجود "دگر جنرال" یونس خان قانونی، نه در وجود "خالد بن ولید ثانی" قومندان گلم جم، نه در وجود "چکّه سرک" تورن اسماعیل خان، نه در وجود سرداران تنظیمی از قبیل ملا قهرمان ربانی، ملا قهرمان سیاف، ملا قهرمان خلیلی، ملا قهرمان محقق، ملا قهرمان محسنی و دهها ملای قهرمان، و طالب مآب و چلی منش دیگر.

این قهرمانان که هرکدام جهانی از قهرمانی را در تنه و توشه و سر و ریش و کله و سلّه خود نهفته میدارند، هرگز به گرد سردار سرداران جهاد، سپهسالار سعید شهید نمی رسند که از اولین "تپ تپ پای" طالبان چنان سراسیمه گشت که دو پای داشت و چار پای دیگر از ممالک همسایه قرض کرده و بدون اینکه دنبش به خاشه هم بند شود، رهسپار غارهای پنجشیر گردید. یاد آن قهرمان ملی گرامی باد و راهش پر رهرو، که در همه چیز قهرمان بودند، مگر بزرگترین قهرمانی ایشان در نفس "قهرمانی" ست، چون آن شهید سعید در فن و مسلک شریف "قهرمانی"، قهرمان بودند.

می سزد که امروز به قهرمانان خود بنازیم و نام های گرامی ایشان را به خط زرین نوشته، در قفسچه تاریخانه تاریخ بگذاریم!!!!!!!

وقتی این شرح افتخار آمیز را می نویسم و به نسل های آینده به یادگار می گذارم، جای یک نکته باقیست و جای یک سؤال که چه چیزی این ودیعه بزرگ خداوندی را نصیب این گله قهرمانان گردانیده است؟؟؟

امروز که قهرمانان سراسر افغانستان و دنیا جمع گردیده و میخواستند سالگرد "انقلاب اسلامی و ظفرنمون ۸ ثور" را جشن بگیرند، حادثه کوچکی روی داد و مهر حشمت و آبرو بر جبین قهرمانان نهاد. چهار تن طالب پای لُج جان فدا برخاستند و تاج و اورنگ شهامت را بر فرق تمام این قهرمانان داخلی و خارجی گذاشتند. این روز را حافظه تاریخ ما هرگز از یاد نخواهد برد و هرگز از یاد نخواهد برد، که :

یک جهان از دست چهار تا طالب سرکنده و پای تر قیده، پا به فرار می نهند.

زده باد "روز هشتم ثور" ،

"روز فرار قهرمانان"!!!!!!